

نقش رزق حلال در رشد معنوی انسان (با توجه به آیات و روایات)

حسین جلائی نوبری

دانشیار و هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز و عضو عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش‌های

بین رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت منطقه ۲ کشور

nobarih@tbzmed.ac.ir

چکیده

این مقاله در صدد تبیین اهمیت رزق مادی که از نیازهای اصلی انسان است پرداخته، لکن قیدی که ضرورت کسب حلال را پررنگ می‌کند در پیشانی آن قرار گرفته است و با تمسک به آیات و روایات معصومین علیهم السلام وظیفه کاسب رادر راستای تاثیر روزی حلال بر حس معنوی و سرنوشت وی مورد بررسی قرار می‌دهد نگارنده در مقدمه به تعریف و تبیین موضوع پرداخته، اشاره ای به پیشینه موضوع کرده و از کتبی که در این زمینه به رشته ی تحریر در آمده نام برده، مقدمه را با طرح چند سوال به پایان می‌برد و بعد از مقدمه به مفهوم شناسی بعضی لغات رایج کرده، در این پژوهش نگارنده به آثار مال حرام که بر نسل بعدی و عبادات دارد و عوامل که باعث می‌شود انسان گرایش به مال حرام پیدا کند از جمله وسوسه‌های شیطانی، احساس حقارت و عوامل محیطی اشاره شده است و عوامل موثر در گشایش روزی از جمله درستکاری، نماز، استغفار، نیت قلبی و اخلاص، قرائت قرآن، صلح و شکر نعمت مورد بررسی قرار داده و هم چنین به دلایل فقر و تنگ دستی که اسراف، ربا، گناه، ترک نهی از منکر، عادت به قسم دروغ و نیز مشاغلی که از نظر اسلام مشروعیت ندارند اشاره کرده است. در پایان نتیجه گیری و فهرست منابع آورده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: رزق، حلال، معنوی

مقدمه

در میان ابعاد گوناگون سلامت، سلامت معنوی نقش تعیین کننده ای در دستیابی انسان به سعادت واقعی دارد و فقدان آن می‌تواند منشا بیماریهای روانی و حتی مشکلات جسمانی شود براساس نتایج حاصله از تحقیقات و پژوهش‌های محققان نیز یکی از زمینه‌های عمده ی بیماری‌ها و مشکلات روانی و عوارض جسمی و اجتماعی انسانها، احساس پوچی و بی‌هودگی است و این احساس، ناشی از فقدان بعد معنوی سلامت در افراد است بنابراین تاکید بیش از حد بر جنبه های مادی سلامت انسان سبب غفلت از بعد بسیار مهم و اساسی آن یعنی بعد معنوی و روحانی شده است از همین رو تلاش‌های زیادی صورت گرفته است تا برای حفظ سلامت معنوی و ارتقای آن راهکارهایی ارائه گردد، هدف از ارائه این پژوهش نیز آشنایی با نقش رزق حلال در رشد معنوی انسان است. این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و کتابخانه ای تدوین شده است.

تاریخچه ی موضوع و پیشینه ی پژوهش به زمان خلقت آدمی برمی‌گردد لذا تمام پیامبران الهی در تمام اعصار برای هدایت بشر و ارتقای سلامت معنوی انسانها راهکارهای ارائه داده اند و در قرآن نیز بارها با بیان‌های مختلف از جمله اینکه انسان باید در مورد طعام خود تامل کند بیان شده است در زمینه روزی حلال و موضوعات مرتبط با این مسئله در تفاسیر مختلف از جمله تفسیر المیزان و تفسیر نمونه و کتاب متعدد مثل گشایش روزی / محمد علی قاسمی و رزق حلال / محمد علی قاسمی، پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است. هرچند این موضوع یک مسئله اجتماعی است چرا که کسب و کار در متن جامعه صورت می‌گیرد ولی در این پژوهش بیشتر بعد اخلاقی موضوع مورد بررسی قرار گرفته است. حال این سوالات به ذهن می‌آید که چه عواملی باعث گشایش روزی می‌شود، که به حرام نیفتیم؟ لقمه حرام چه اثراتی بر رشد معنوی انسان دارد؟ چه عواملی باعث فقر و تنگدستی انسان می‌شود؟ علل گرایش انسان به مال حرام چیست؟ اسلام از چه درآمدهای انسان را منع کرده تا از مسیر اصلی خود که سعادت است، جدا نشود؟ در این مقاله سعی شده است از آیات و روایاتی که در این باره آمده است استفاده شود.

مفهوم شناسی

رزق

رزق در لغت به معنی عطا و بخشش مستمر است و از آن تعبیر به روزی می‌شود. ^۱صاحح جوهری و القاموس المحيط، رزق را به معنای «آنچه مورد بهره برداری قرار می‌گیرد» (ما ینتفع به) معنا کرده اند. (۶) گرچه این تعریف شامل نعمت‌های مادی و معنوی هر دو می‌شود.

۱. راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، ص ۱۴۹.

۲. جوهری، الصحاح، ج ۴، ص ۱۴۸۱ و فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۳، ص ۲۳۵.

در اصطلاح به هر چیزی که مایه دوام حیات مخلوقات زنده است، رزق گویند. در واقع رزق موهبت و بخششی است از ناحیه خدای متعال به بندگانش، بدون اینکه استحقاق آن را داشته باشند.^۱

اقسام رزق در قرآن و روایات

در یک نگاه کلی می‌توان رزق را به دو بخش تقسیم کرد:

الف) رزق مادی: این نوع رزق، رزقی است که لازمه زندگی دنیوی می‌باشد و انسان و تمام موجودات زنده در این جهان برای زنده ماندن و بقای نسل خود نیازمند به آن هستند. رزق مادی بنا بر احکام تکلیفی وضعی به پنج قسم تقسیم می‌شود که عبارتند از:

— **واجب:** مانند برآورده کردن نیاز خانواده.

— **حرام:** مانند رزقی که انسان از راه حرام مانند دزدی به دست آورده است.

— **مستحب:** مانند رزقی که انسان تلاش می‌کند آن را برای راحتی زندگی خانواده اش به دست آورد.

— **مکروه:** رزقی که به دست آوردن آن حرام نیست اما بهتر این است که انسان برای به دست آوردنش تلاش نکند مثل رزقی که از راه قصابی و یا برخی مکاسب مکروه به دست می‌آید.

— **مباح:** مانند رزقی که انسان نیاز واجب به آن ندارد و همچنین به دست آوردن آن نیز حرام نمی‌باشد مثل کسب و کار روزانه که بطور مباح و بدون احتیاج به آن به دست می‌آید.

و گاهی رزق، فقط به خوراک اطلاق شده مثل «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...»^۲ بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر)، لازم است رزق (خوراک) و پوشاک مادر را به طور شایسته بپردازد.

در این آیه شریفه کسوت (پوشاک) را از رزق جدا کرده است. در قرآن کریم به باران و چهارپایان اهلی نیز رزق اطلاق شده است.

در قرآن مجید گذشته از معنای مشهور، به نبوت نیز رزق گفته شده «يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا...»^۳ و ایضا به امنیت رزق گفته شده است. آنها گفتند: ما اگر هدایت را همراه تو پذیرا شویم، ما را از سرزمینمان می‌ربایند. آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی (از هر شهر و دیاری) بسوی آن آورده می‌شود؟! رزقی است از جانب ما؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند.^۴

۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۳ ص ۱۳۷.

۲. بقره، ۲۳۳.

۳. هود، ۸۸.

۴. قصص، ۵۷.

ب) رزق معنوی:

این نوع رزق، رزقی است که وجود آن به انسان مفهومی واقعی می‌بخشد و با انجام اعمال نیک مثل عمل به مستحبات به دست می‌آید، در حقیقت هر انسانی که به دنبال رزق معنوی برود و برای به دست آوردن این رزق تلاش کند می‌تواند در سرای آخرت در بهشت برین برای خود مکانی مهیا کند. ورزق معنوی به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱- رزق کریم

«فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»^۱ آن‌ها که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، آموزش و روزی پرارزشی برای آن‌هاست.

در این آیه نعمت‌های بهشت، رزق کریم نامیده شده است.^۲ که مومنان خداترس^۳ و دارای عمل صالح و مردان و زنان پاکدامن^۴ به عنوان پاداش الهی از آن بهره‌مند خواهند شد.

همچنین رزق کریم از آن مواهب الهی است که جهادگران و مهاجران و انصار به آن نوید داده شده‌اند . «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»^۵ و آن‌ها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند و آن‌ها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مومنان حقیقی‌اند برای آن‌ها، آموزش (و رحمت خدا) و روزی شایسته‌ای است.

۲- رزق معلوم

«إِنَّا عِبَادُ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ»^۶ جز بندگان مخلص خدا (که از کفرها برکنارند)! برای آنان (بندگان مخلص) روزی معین و ویژه‌ای است.

«رزق معلوم» یعنی خداوند در بهشت برای بندگان مخلص خود، رزقی می‌دهد که غیر از رزق دیگر بهشتیان است و هیچ شباهتی بر رزق دیگران ندارد، اگرچه نام رزق ایشان و رزق دیگران یکی است به آن جهت که آنان جز به خدای تعالی به هیچ چیز دیگری وابستگی ندارند، نه به زینت زندگی دنیا و نه به نعمت‌های آخرت، چرا که در دل ایشان غیر از خدا چیز دیگری وجود ندارد.^۷

۱. حج، ۵۰.

۲. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۴۳.

۳. انفال، ۲-۴.

۴. نور، ۲۶.

۵. انفال، ۷۴.

۶. صافات، ۱-۴۰.

۷. طباطبایی، المیزان، ج ۱۷، ص ۲۰۴.

۳- رزق حسن

«وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا كَبُرَتْ لَهُمُ الرِّزْقَةُ حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَكَبِيرٌ خَبِيرٌ الرَّازِقِينَ»^۱ و کسانی که در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند، خداوند به آنها روزی نیکویی می‌دهد که او بهترین روزی‌دهندگان است.

در این آیه «رزق حسن» را پاداش همه مهاجران الهی قرار داده، خواه به مقام شهادت رسیده باشند خواه در این راه به مرگ طبیعی از دنیا رفته باشند.

«رزق حسن» اشاره به نعمت‌هایی است که وقتی چشم انسان به آن می‌افتد، چنان مجذوب می‌شود که نمی‌تواند دیده از آن برگردد و به غیر آن نگاه کند و تنها خدا قدرت دارد که چنین روزی را به کسی دهد.^۲ همچنین در قرآن به مقام نبوت و به فایده‌های حلال درخت انگور، رزق حسن اطلاق شده است. البته هر دو نوع رزق مذکور در بالا را می‌توان به فرمایش امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) تطبیق داد که می‌فرماید: «يَا أَبَانَ آدَمَ، الرِّزْقُ رِزْقَانِ، رِزْقٌ تَطْلُبُهُ، وَ رِزْقٌ يَطْلُبُكَ، فَإِنْ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ»^۳ روزی بر دو گونه است، یکی آنکه تو در طلب هستی و یکی آنکه او در طلب توست و اگر تو به سوی او نروی او به سوی تو خواهد آمد.

حلال^۴

حَلَّ به کسرۀ هاء، به معنی حلال، استعاره از بازکردن گره و گشایش چیزی است. حلال آن چیزی است که از ممنوعیت باز شده است. دُر اصطلاح، حلال بنا به فرموده نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم آن چیزی است که خداوند در قرآن حلال کرده است و چیزی که ممنوعیتی در آن نباشد.^۵

معنوی

معنویت در لغت، مصدر جعلی از واژه «معنوی» است که با افزودن یای نسبت به آن از واژه «معنی» که خود مصدر میمی بوده و مفاد آن مقصود و مراد است مشتق شده است. بنابراین معنوی یعنی منسوب به معنی و در مقابل «لفظی» است. این کلمه در معانی دیگری مانند حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی

۱. حج، ۵۸.

۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۴۷.

۳. هود، ۸۸.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۴۳۱.

۵. مقاله ای با عنوان «بررسی اهداف آیات ناظر به تغذیه با نگاهی به الگوی غذایی حلال طب» فصلنامه پژوهش‌های ورزشی علوم و بدنی تربیت، شماره ششم، سال دوم، بهار ۱۳۹۹ صص ۳۳-۱۹ از نویسنده و دوستان چاپ شده است.

۶. قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۶۶.

۷. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۶۹.

و روحانی به کار رفته است! به معنای «امور غیر مادی» به کار رفته و مرادف با «روحانیت» و «حالت روحی انسان» می باشد.^۲

در اصطلاح معنویت دمیدن روح در زندگی فرد است. قابلیت و گرایشی است که برای هر فرد فطری و منحصر به فرد می باشد. این گرایش معنوی افراد را بسوی معرفت، عشق، معنا، آرامش، تعالی، پیوند، شفقت، خوبی و یکپارچگی سوق می دهد.

در اسلام معنویت مجموعه‌ای از حالت‌ها را شامل می شود که در چارچوب برنامه دین اسلام در ارتباط با خدا به صورت‌های مختلف بر روان انسان عارض می شود.

۱- ارزش کسب و رزق حلال^۳

اسلام برای کار و فعالیت حلال و به دست آوردن روز حلال، ارزش فراوان قائل است و آن را از جهت کمی و کیفی ستوده است. درآمدهای مشروع و کسب و کار و اموال حلال، جایگاه ویژه ای داشته و قرآن مجید آن را مایه قوام و هستی شخص، جامعه و مایه زینت و آرامش در زندگی این دنیا می خواند؛ آنجا که می فرماید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست. . . قرآن افراد متمکن را که از طریق مشروع اموالی به دست آورده اند، افراد خوب معرفی می کند و اساساً داشتن مال و تمکن مادی را نوعی امداد الهی به حساب آورده و عنایت و تفضل معبود را در حق بندگان خدا بیان می کند. خداوند منابع کسب روزی حلال را در اختیار انسان قرار داده تا انسان‌ها به سمت حرام نروند و از حریم الهی تجاوز نمایند؛ چراکه تصرف در مال حرام و حلال دانستن آن از دیدگاه اسلام، بدعت در دین و تجاوز از حریم الهی است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءً أَفْضَلُهَا جُزْءٌ طَلَبُ الْحَلَالِ» «عبادت، هفتاد جزء است، برترین آن به دست آوردن روزی حلال است.

کسب مال حلال از نظر کمی و مصرف، محدود و در عین حال بسیار سخت و کمیاب است؛ امام علی علیه السلام می فرماید: «ضَرْبَةُ السَّيْفِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَهْوَنُ مِنَ الدَّرْهِمِ مِنْ حِلِّهِ». . . شمشیر زدن بر مؤمن آسان تر از به دست آوردن یک درهم از راه حلال است!

۱. ابن منظور، لسان العرب،

۲. مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۴۸.

۳. مقاله ای با عنوان «بررسی آثار خوردنی های حرام بر سلامت انسان بر اساس آموزه های دینی» در فصلنامه پژوهش های تربیت بدنی و علوم ورزشی، سال دوم، شماره ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۹، از نویسنده چاپ شده است.

۴. کهف، ۴۶.

۵. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۷۸.

۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷.

واقعیتی که باید به آن توجه داشت این است که خداوند متعال برای تمام مخلوقات «روزی حلال» مقدر فرموده است. اگر انسان عجله نکند و قناعت و صبر را پیشه خود سازد، تمام رزق مقدرش به او خواهد رسید. کسانی که از کسب حرام پرهیز نمی کنند، خیال می کنند اگر از مال حرام صرف نظر کنند، کمبودی در معاششان پدید می آید و سخت محتاج و گرفتار می شوند. خداوند می فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» هیچ جنبنده ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خداست. او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می داند. همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است.

امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «انَّ الْعَبْدَ لِيُحْرِمَ نَفْسَهُ الرِّزْقَ الْحَلَالَ بِتَرْكِ الصَّبْرِ وَلَا يَزِدَادُ عَلَى مَا قُدِّرَ لَهُ» جز این نیست که بنده به سبب صبر نکردن و شتاب زدگی رزق حلال را بر خود حرام می کند؛ درحالی که بیش از آنچه مقدرش بوده، به دست نمی آورد. بنابراین، اولین وظیفه مؤمنان در زندگی، کسب و استفاده از اموال حلال است؛ چراکه کسب و کار حلال تأثیر زیادی در وصول به سعادت و ترقیات انسانی دارد و موجب توفیق و قبولی طاعات و عبادات می شود.

۲- عوامل گرایش به مال حرام

۲-۱- وسوسه های شیطانی

هنگامی که فردی تصمیم می گیرد مال حلال کسب کند و بدون نیرنگ و ربا، غل و غش، دروغ و رشوه و... لقمه نانی بدست آورد و به غفلت نخورد، شیطان به او وعده فقر می دهد که اگر در پی کسب حلال باشی به جایی نمی رسی و آینده ای نخواهی داشت فرزندان بی سر و سامان می مانند. خداوند در پاسخ وعده های شیطان می گوید:

« وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ » خداوند وعده مغفرت و بخشش می دهد و او است که وسعت گسترش عنایت می کند.

پس از راهی که انتخاب کردید نترسید و هراس به دل خود راه ندهید.

۲-۲- احساس حقارت

یکی از زمینه های «حرام خوری» زمینه روحی و روانی است که انسان با افکار و تخیلات نادرست گرفتار عقده و حقارت می شود و تصور می کند با دستیابی به مال و ثروت می تواند جایگاه خویش را در جامعه پیدا کند از این رو به هر دری می زند تا خانه ای مجلل، مرکبی پیش رفته و ظاهری همچون ظاهر ثروتمندان

۱. هود، ۶.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۶۱-۱۶۰.

۳. بقره، ۲۶۱.

داشته باشد. پیشوایان اسلام می‌فرمایند: اگر انسان شخصیت خود را بشناسد، هرگز شخصیت بلندمرتبه خود را در راه های انحرافی و ناپسند ناپود نمی‌کند، امام سجاد(ع) می‌فرماید: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا» کسی که نفس خود را گرامی دارد در امور مادی، دنیا در نظرش بی ارزش گردد. پس یکی از علل حرکت به سوی مال حرام، حقارت شخصیت انسان است، کوچک دین خویش سبب می‌شود در پی، گسب جایگاه و شخصیت اجتماعی باشد و آنرا در ثروت و مال می‌بیند و از هر راهی حتی سرقت بیت المال، و... در پی مال اندوزی می‌رود.

۳-۲- فقر و تهی دستی

یکی از زمینه های حرام خواری، فقر است که برای سالم سازی محیط و جامعه لازم است بطور جدی و اساسی با فقر ونداری مبارزه می‌شود. فقر انسان رابه بسیاری از گناهان مثل رباخواری، غش، معاملات حرام، تصرف در بیت المال، حق خوری و. وادار می‌کند. از این رو امیر مومنان علی علیه السلام به فرزندش محمد حنیفه می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنَقَصَةٌ لِلدِّينِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ» فرزندم از فقر برای تو می‌ترسم و از آن به خدا پناه می‌برم، چرا که فقر دین اسلام را ناقص و عقل و فکر او را مضطرب و مردم را نسبت به او برین می‌سازد. از این روی دردیدگاه اسلام قاضی شرع باید راحت زندگی کند و در فقر و تهیدستی قرار نگیرد، زندگیش به طور کافی از بیت المال تامین گردد تا مبدا احساس نیاز کند و به دنبال آن به رشوه خواری و مال حرام آلوده شود.

۴-۲- محیط

همان طور که مکان زباله ها موجب پیدایش و رشد میکروبها و بیماریها می‌شود، محیط فاسد اقتصادی، یکی از زمینه های مهم حرامخواری و کسب اموال نامشروع است. وقتی محیط و جامعه به سوی دنیا گرایی و مسابقه در تجملات پیش می‌روند انسانها برای رسیدن به مقاصد دنیایی خویش را های نامشروع را بر می‌گزینند، آنان جوزدگانی هستند که تحت تاثیر محیط قرار می‌گیرند و با این توجیه که همه مردم این کارها را می‌کنند و از این طریق ثروت اندوزی می‌کنند، وام ربوی می‌گیرند و ربا می‌گیرند و ربا می‌دهند معاملات نامشروع را روش و شیوه خویش قرار می‌دهند. هنگامی که ملاک و معیار کارها جوعمومی جامعه باشد و هم‌رنگ جماعت شدن دلیل انتخاب و رفتارها

۱. حرانی، تحف العقول ص ۳۱۸.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹.

گردد، انسان از حال وهوای الهی بیرون می رود و در کسب و کار خویش خدای را فراموش می کند و آلوده به هوس های شیطانی می گردد.^۱

۳- آثار مال حرام

۱-۳- اثر مال حرام بر فرزندان

بسیاری از صفات ظاهری و معنوی انسان ها، بواسطه وراثت به فرزندان و نسل های بعد منتقل می شود، یکی از آثار حرام خوری نیز ظهور و بروز آن در نسل آینده انسان است.

حضرت امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «كَسْبُ الْحَرَامِ يُبَيِّنُ فِي الدُّرَيْبَةِ»^۲ آثار در آمد و کسب حرام در نسل بعد آشکار می شود.

امام باقر علیه السلام در آثار مال حرام می فرماید «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَصَابَ مَالًا مِنْ حَرَامٍ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ حَجٌّ وَلَا عُمْرَةٌ وَلَا صَلَاةٌ رَحِمَ حَتَّىٰ أَنَّهُ يَفْسُدُ فِيهِ الْقُرْجُ»^۳ اگر انسان از مال حرام استفاده کند، حج و عمره و صلّه رحم او پذیرفته نمی شود بلکه به واسطه حرام در فرزندان و نطفه وی اثر زشت ظاهر می شود.

گناه تا عمق انسانیت، اثر می کند و رفتار نسل های بعد را نیز تحت تاثیر قرار می دهد، زیبا ترین شاهد این مطلب سخن خداوند است که به یکی از انبیای خویش فرمود:

«وَأَنَّ آثَارَ الذَّنْبِ يَبْلُغُ إِلَى الْبَطْنِ السَّاعِي»^۴ همانا آثار گناه تا نسل هفتم تاثیر می کند.

۲-۳- آثار مال حرام بر عبادات

انسان بدون ارتباط با خداوند تنها جسم است و روح ندارد، تن حیوانی دارد، اما از عقل و کمال در او خبری نیست. برخی از کارها باعث می شود ارتباط انسان با خالق هستی و روح بخش جهان قطع شود، یکی از آثار مال حرام این است که عبادت آدمی را هیچ و پوچ می کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ» و قیل: عَلَى الْمَاءِ^۵ عبادت با خوردن مال حرام همانند ساختن ساختمانی بر روی ماسه است.

تا وقتی که اثری از حرام در بدن و روح انسان باقی بماند، کارهای نیک انسان پذیرفته نمی شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می فرماید: «مَنْ أَكَلَ لُحْمًا حَرَامًا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً؛ وَمَنْ تَسْتَجِبَ لَهُ دَعْوَةٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا وَ كُلُّ لَحْمٍ يُنْبِتُهُ الْحَرَامُ فَالْنَارُ أَوْلَىٰ بِهِ»^۶ کسی که یک لقمه حرام را بخورد،

۱. قاسمی، روزی حلال، ص ۱۵۷-۱۵۰.

۲. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۱۲۵.

۳. طوسی، الأمالی، ص ۶۸۰، ج ۱۴۴۷.

۴. مجلسی بحار الانوار، ج ۱۱۰، ص ۹۰.

۵. مخیر، ریحانه بهشتی، ص ۱۷۹.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۶.

تا چهل روز نماز او پذیرفته نمی‌شود و دعایش مورد استجاب قرار نمی‌گیرد و هر مقدار از بدن که پرورش یافته لقمه حرام باشد سزاوار آتش و سوختن.

یکی از پیامدهای غذای حرام، این است که توجه و بیداری را از انسان سلب کرده، او را در غفلت فرو می‌برد. وقتی چنین شد، حال عبادت ندارد، از نماز لذت نمی‌برد و بدتر از آن، از گناه لذت می‌برد. به مرتبه‌ای از سقوط می‌رسد که رابطه با خدا برایش مشکل است و نه تنها موفق به خواندن نماز شب نمی‌شود، بلکه توفیق نماز اول وقت نیز از او سلب می‌شود.

از دیگر پیامدهای مال حرام، پدید آمدن جهل مرکب برای انسان است. به این معنا که کار زشت در نظر او جلوه نیکویی دارد.

افراد جامعه‌ای که مبتلا به مال حرام است، دچار جهل مرکب می‌شوند. چنین اجتماعی می‌رسد به آنجا که از لحاظ فرهنگی مشکلات فراوانی دارد، اما تخیل می‌کند که از برترین فرهنگ‌ها برخوردار است. فرهنگ اسلام در بین افراد آن جامعه، خرافی تلقی می‌شود؛ چادر بین آنان ارزش ندارد، بلکه یک خرافت است، پوشش غربی را امتیاز می‌دانند، دین، نماز، مسجد و محراب را مسخره می‌کنند و رفتارهای زشت و ناپسند و فرهنگ غرب را نیکو می‌دانند. ظلم، در چنین جامعه‌ای معتبر است و ربا و رشوه، در بین افراد آنان عادی است و امتیاز به شمار می‌رود.

مال حرام، رابطه انسان با خداوند را به کلی قطع می‌کند و او را به شیطان متصل می‌نماید. وقتی با شیطان مرتبط شد، به راهی می‌افتد که منتهای آن سقوط است و تا پایان عمر سراشییبی سقوط را می‌گذراند تا بمیرد^۱. متأسفانه در آخرت نیز سقوط او ادامه دارد. خدا نکند کسی به این مقام پست تنزل یابد که سقوطش، حتی در جهنم نیز ادامه دار باشد.

افزون بر این، کسی که مال حرام کسب کرده، در قیامت باید حق‌الناس را جبران نماید و این جبران ربی به سقوط او و عذاب جهنم ندارد. خداوند متعال به عزت و جلال خود قسم خورده و فرموده است که: ممکن است از حق خودم بگذرم، اما از حق‌الناس نخواهم گذشت؛ بنابراین در قیامت، عبادات و اعمال نیک بدهکار را به بستانکار می‌دهند تا راضی شود؛ و اگر عمل نیکی نداشته باشد یا اعمال او تمام شود، گناهان بستانکار را به پرونده بدهکار منتقل می‌کنند.

غذای حرام، تبعات فراوان دیگری نیز دارد اما همین مقدار باید دانست که مال حرام، انسان را به سقوط می‌کشاند و شقاوت ابدی را برای او رقم خواهد زد؛ بنابراین، به دست آوردن غذای حلال، به ویژه در زمان حاضر، در حالی که بسیار مشکل است، بسیار لازم است.

۱. قاسمی، روزی حلال ص ۱۸۱-۱۷۸.

۴- عوامل گشایش روزی

۴-۱- ازدواج

انتخاب همسر و پذیرش مسئولیت خانواده، روزی انسان را افزایش می‌دهد. اما متأسفانه امروزه باورها تا اندازه‌ای ضعیف شده است که بسیاری از جوانان از ترس تهی‌دستی، انتخاب همسر را به تأخیر می‌اندازند و تن به زندگی مشترک نمی‌دهند؛ زیرا مسائل را از نگاه مادی می‌بینند. این در حالی است که قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْطِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۱ «ای همسران خود و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید، اگر تنگدست اند خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر داناست.

۴-۲- استغفار

آیات الهی و سخنان پیشوایان دین، پیوندی روشن میان مسائل معنوی و مادی برقرار می‌سازد و استغفار از گناه و بازگشت به سوی خدا را مایه آبادانی، طراوت و سرسبزی و وسعت روزی برمی‌شمارد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی می‌فرماید: «مَنْ أَكثَرَ الْأَسْتَغْفَارَ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ فَرَجًا وَ مِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا وَ مِنْ كُلِّ خَوْفٍ أَمْنًا وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۲ «هر کس زیاد استغفار کند خدا برای او از هر غمی فرجی قرار دهد و از هر سختی بیرون آمدنی و روزی دهد او را از آنجا که گمان ندارد.

۴-۳- نیت قلبی و اخلاص

در فرهنگ اسلام نیت کار باید فقط رضایت الهی باشد در حقیقت، این نیت است که تعیین کننده قبولی یا عدم قبولی کار و فعالیت در پیشگاه الهی است. مولای متقیان رابطه تنگاتنگی رابین نیت و عطایا و بخشش‌های الهی میدانند و معتقد است هر اندازه نیت، رضای الهی باشد، به همان میزان لطف و عنایت الهی شامل حال انسان می‌شود.^۳ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «عَلَى قَدْرِ النَّيِّهِ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ الْعَطِيَّةُ»^۴ (بخشایش) الهی به اندازه نیت هر فرد است.

۱. نور، ۳۲.

۲. حوزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۷۵، ح ۴۵.

۳. دانشکده علوم حدیث، فصلنامه حدیث اندیشه، ش ۹ و ۸ پاییز ۸۸- تابستان ۸۹.

۴. غررالحکم و دررالحکم، ص ۹۲، ح ۱۵۹۴.

۴-۴- قرائت قرآن

قرآن کریم شفای همه دردها و مرض‌ها است، کلامی است روح بخش و دارای آثاری پنهان و آشکار. یکی از آثار قرائت قرآن زیاد شدن برکت روزی است که در روایات به خصوص به بعضی از سوره‌ها و آیات از جمله قرائت سوره واقعه در شب جمعه، قرائت سوره‌های محمد، قلم، ق، ممتحنه قارعه، قدر لیل، شمس قرائت سوره واقعه در شب جمعه، قرائت سوره‌های محمد، قلم، ق، ممتحنه قارعه، قدر لیل، شمس و آیه لما شاء الله لاقوه الا بالله (کهف، ۳۹) تاکید بیشتر شده است.

امام صادق علیه السلام از جد خود امیر المومنین علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «الْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَ يُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ تَكْتُرُ بَرَكَتُهُ وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ وَ يُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ الْكُوكَبُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»^۱ خانه ای که در آن قرآن قرائت شود و یاد خدا گردد، برکتش زیاد می‌شود. فرشتگان در آنجا حاضر می‌شوند و شیاطین دور می‌شوند. و همانند ستارگان که برای اهل زمین می‌درخشند، برای اهل آسمان می‌درخشند.

۴-۵- نماز شب

ارتباط با خدا و عبادت، افزون بر اینکه قلب انسان را پالایش می‌کند به روزی انسان نیز می‌افزاید از جمله نماز نیز از این عبادت‌ها است. و در روایات متعددی به آثار نماز در گشایش روزی تاکید فراوانی شده است از جمله اینکه در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که: «صَلَاةُ اللَّيْلِ تُبَيِّضُ الْوُجُوهُ، وَ صَلَاةُ اللَّيْلِ تُطَيِّبُ الْكَلْبَ وَ صَلَاةُ اللَّيْلِ تَجْلِبُ الرِّزْقَ»^۲ نماز شب انسان را نورانی می‌کند. روی انسان را خوش و روزی جذب می‌نماید. و نمازهای دیگری مثل نماز در شب دوم و دهم ماه مبارک رمضان، نماز روزی و ادای قرض در شب جمعه، دورکعت نماز روزی بعد از نماز عشاء و نماز گشایش روزی در هنگام ورود به منزل که به تفصیل در مفاتیح الجنان آمده اند توصیه شده است.

۴-۶- صله رحم

بر اساس روایات، زیادی عمر، تاخیر اجل و مرگ، فزونی ثروت و دارایی، آسانی حساب در محشر از جمله آثار ارزنده صله رحم است. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «صَلِّ الْقَرَابَةَ مَثْرَاهُ فِي الْمَالِ، مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ، مَنَسَأَةٌ فِي الْأَجْلِ»^۳ صله رحم به حال خویشاوندان، موجب افزایش ثروت و فزونی محبت و علاقه در میان خانواده‌ها و فامیل می‌شود و سبب تاخیر اجل و مرگ انسان می‌گردد.

۱. صدوق، ثواب الاعمال، ص ۲۴۲

۲. حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۲۰۴.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۰۲

حضرت زهرا سلام الله علیها در بیانی می فرماید: « جَعَلَ اللهُ . . . صَلَّةَ الْأَرْحَامِ مَنَشَأَةً فِي الْعُمْرِ وَ مَنَمَاءً لِلْعَدَدِ »^۱ خداوند، صله رحم و ایجاد رابطه با خویشاوندان نزدیک را از موجبات فزونی و فراوانی ثروت و دارایی قرار داده است.

گاهی افراد یک فامیل هر چند که فاسد و بد کار باشند اجتماع خود را حفظ می کنند و با هم مهربانند و رفتاری پسندیده دارند، خداوند متعال در عوض، نعمت های خویش را بر سر آنها می ریزد و بر رزق و روزی ایشان می افزاید و گاهی هم افراد دیک خانواده هر چند پاک و بی آلاش، اما باهم نامهربانند و ارتباط مودت آمیز ندارند و احوال یکدیگر رانمی پرسند، خداوند هم، آنها را محروم تر می کند و نعمت هایش را از آنان می گیرد.

۷-۴- شکر نعمت

یکی از عوامل بسیار مهم در گسترش روزی تشکر از خداوند و به جای آوردن شکر نعمت های الهی است. خداوند متعال در قرآن کریم، بارها در این زمینه سخن گفته است انجا که می فرماید: « لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ » اگر شکر گذار باشید روزی شما را افزون می کنم.

به فرموده امیر مؤمنان علیه السلام رابطه غیر قابل انکار میان شکر و افزایش روزی است. چنانچه ایشان فرمودند: « مَا كَانَ اللَّهُ لِيَفْتَحَ عَلَيَّ عَبْدٍ بَابَ الشُّكْرِ وَ يُعَلِّقَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ » نمی شود خداوند در شکر را بر بنده اش باز کند و در افزایش روزی را بر او ببندد.

پس هر بنده ای که توفیق شکر گذاری پیدا کند، بی تردید رزق و روزیش افزایش می یابد و این رابطه در همه زمان ها وجود دارد. اما امروزه به خاطر چشم و هم چشمی و مسابقه در رسیدن به مال و ثروت، شکر گذاری از آنچه داریم فراموش شده است، بلکه هر کس حق خود می داند که به بیشتر از این دست یابد، حال آنکه این حالت انسان را در پله های سقوط قرار می دهد، بلکه روزی او را کاهش می دهد.

۸-۴- انفاق

یکی از چیزهایی که سبب گسترش روزی می شود، انفاق از مال حلال است، قرآن کریم می فرماید: « وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ » هر چیزی را که در راه خدا انفاق کنید، خداوند جای آن را پر می کند و او بهترین روزی دهندگان است.

۱. همان، ص ۹۴.

۲. ابراهیم، ۷.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۴۴.

۴. سبأ، ۳۹.

انفاق مایه فزونی نعمت‌ها است، هر آن چه انسان از سرمایه های مالی و معنوی خویش را در راه خدا ببخشد، خداوند به آن رنگ بقاء می‌دهد و تضمین می‌کند که جای آن را پر کند، و آن که یقین دارد که خدا جایگزین می‌کند هر آن چه را می‌تواند سخاوتمندانه انفاق می‌کند.

حضرت امیر علیه السلام فرمودند: «اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ» (روزی را به صدقه دادن فرود آرید).

۹-۴- دوری از کسالت و تنبلی

یکی از کلید های اصلی رسیدن به ثروت حلال و خوشبختی، نشاط همراه تلاش است. هیچ کس به لذت و آسایش نمی‌رسد مگر اینکه پیش از آن کوششی درخور آن انجام داده باشد. از این رو پیشوایان معصوم علیهم السلام بیروان خویش، بلکه همه بشریت را دعوت به جدیت در کارها و دوری از دلتنگی و کسالت می‌نمایند.

امام جعفر صادق علیه السلام: «لَا تَكْسَلُوا فِي طَلَبِ مَعَايِشِكُمْ فَإِنَّ آبَاءَنَا كَانُوا يَرْكُضُونَ فِيهَا وَ يَطْلُبُونَهَا» در طلب روزی و نیازهای زندگی تنبلی نکنید، چرا که پدران و نیاکان ما به دنبال آن می‌دویدند و آن را طلب می‌کردند.

۴-۱۰- امانت داری

همانگونه که خیانت در امانت آن از اسباب فقر و تنگدستی است. رعایت امانت و بازگرداندن آن سبب جلب روزی می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَيْسَ مِمَّا مِنْ أَخْلَفٍ بِالْأَمَانَةِ وَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَجَلِبُ الرِّزْقُ وَ الْخِيَانَةُ تَجَلِبُ الْفَقْرَ» امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که در امانت داری خلاف قرارداد عمل کند از ما نیست. و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: امانت داری رزق و روزی می‌آورد، و خیانت در امانت فقر می‌آورد.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «الْأَمَانَةُ تَجَلِبُ الْغِنَاءَ وَ الْخِيَانَةُ تَجَلِبُ الْفَقْرَ» امانت داری موجب بی‌نیازی و خیانت موجب فقر است.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۷.

۲. صدوق، من لا يحضره الفقيه ج ۳، ص ۱۵۷، ح ۳۵۷۶.

۳. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۱۳۳.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۱۴.

۵- عوامل نقصان روزی

۱-۵- گناه

یکی از عوامل کاهش روزی گناه و معصیت الهی است هرگناهی کیفر واثاری دارد که در دنیا و آخرت دامنگیر انسان می‌شود.

گناه، یکی از عوامل مهم فقر است. گناه علاوه بر اینکه اعمال نیک را هم از بین می‌برد. موجب کاهش و قطع رزق و روزی می‌شود. پیامبر خدا صلوات الله علیه فرمودند: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَذُنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ بِهِ الرِّزْقَ وَ قَدْ كَانَ هَنِيئًا لَهُ» گناه موجب می‌شود که انسان از روزی محروم گردد؛ درحالی که زندگی برایش گوارا بوده است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَذُنِبُ الذَّنْبَ فَيَزُوِي عَنْهُ الرِّزْقُ»^۲ بنده مرتکب گناه می‌شود، روزی وی از او زده می‌شود.

گناه آن قدر در روزی انسان تاثیر گذار است که نیت و قصد گناه، نیز روزی آن را کاهش می‌دهد.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَنْوِي الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ رِزْقَهُ» همانا مومن نیت گناه می‌کند. و از رزقش محروم می‌شود.

۲-۵- اسراف

اسراف یعنی خارج شدن از مسیر طبیعی، هنگامی که نعمت‌ها را در غیر مسیر آن بکار بگیریم رشد نمی‌کند، بلکه به سوی زوال پیش می‌رود.

امیر مومنان علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ السَّرْفَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَإِنَّ الْقَصْدَ يُورِثُ الْغِنَى» اسراف، سبب فقر و نیاز مندی است و میانه روی باعث بی‌نیازی می‌شود.

مفهوم اسراف در هر کاری می‌تواند تحقق پیدا کند، و هر کاری که از مرز اعتدال خارج شود، اسراف شمرده می‌شود. حتی در وضوگرفتن اگر کسی، بیش از حد نیاز آب مصرف کند، اسراف کار است.^۵

۱. همان، ج ۷۰، ص ۳۷۷.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۰۱.

۳. صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۴۱.

۴. آمدی، غرر الحکم و درر الحکم، ص ۳۵۹.

۵. محمدی ری شهری، الگوی مصرف، ص ۳۱.

۳-۵- ربا^۱

از دیگر عوامل فقر ربا خوردن است، خداوند برکت را از سود بدست آمده از معامله و قرض ربوی، برداشته است عثمان بن عیسی نقل میکند شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: خداوند در قرآن می فرماید:

«يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ» خداوند ربا را نابود، ولی صدقات را زیاد می کند. ولی من می بینم که بعضی ربا می خورند و اموالشان به ظاهر زیاد می شود. امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: چه نابودی از این بالاتر که یک درهم ربا دین انسان را نابود می کند و اگر توبه کند، باز هم اموالش از بین رفته و فقیر می شود.^۲

ربا همه اعمال نیک انسان را بی ارزش می کند ای صبح از امام باقر علیه السلام در باره تفسیر آیه شریفه «وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ»^۳ سوال کرد امام علیه السلام در پاسخ وی فرمودند از روزی که مردم به اسلام روی آوردند دارای اموال آلوده به ربا بودند و از آن در انجام کارهای نیک استفاده می کردند، خداوند آنان را از این کار باز داشت و فرمود: اعمال نیک جز با اموال پاک و حلال پذیرفته نیست سوال کرد امام علیه السلام در پاسخ وی فرمودند از روزی که مردم به اسلام روی آوردند دارای اموال آلوده به ربا بودند و از آن در انجام کارهای نیک استفاده می کردند، خداوند آنان را از این کار باز داشت و فرمود: اعمال نیک جز با اموال پاک و حلال پذیرفته نیست.^۴

۴-۵- عادت به دروغ و قسم دروغ

برخی از انسان ها برای فروختن جنس خود چند قسم دروغ می خورند و تا آنجا پیش می روند که قسم دروغ به عادت می همیشگی برای آنان تبدیل میشود، آنان دروغ می گویند تا به اهداف خویش دست یابند اما غافل از آن که کارگردان عالم وجود، خیر و برکت رادر صدق و راستی قرار داده است رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «الْكَذِبُ يَنْقُصُ الرِّزْقَ»^۵ دروغ گفتن روزی انسان را کم می کند. در سخنی دیگر به آثار بیشتر دروغ گویی پرداخته فرمود: قسم دروغین باعث نابودی فرد و ایجاد فقر و تنگدستی در فرزندان می شود و امیر مومنان علیه السلام نیز فرمود: «اعْتِيَادُ الْكِذْبِ يُورِثُ الْفَقْرَ» عادت به دروغ سبب فقر و تنگ دستی می شود.^۶

۱. مقاله ای با عنوان «نگرشی بر حرمت و آثار رباخواری از منظر آیات و روایات» در ماهنامه آفاق علوم انسانی، سال چهارم، شماره سی و هفتم، اردیبهشت ۱۳۹۹، ۶۷، از نویسنده چاپ شده است.

۲. بقره، ۲۷۶.

۳. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۵.

۴. بقره: ۲۶۷.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۲۱.

۶. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۶۷۸.

۷. مجلسی، بحار الأنوار، ۷۲، ۲۶۱، ح ۳۶.

۵-۵- کفران نعمت

از عوامل کاهش روزی، کفران نعمت‌های الهی است، قرآن کریم در این باره می‌فرماید: خداوند قریه‌ای را به عنوان مثال مطرح می‌نماید که دارای امنیت و آسایش بودند و روزی فراوانی به ایشان می‌رسید، آنان نسبت به نعمت‌های الهی کفران ورزیدند، از این رو خداوند لباس گرسنگی و ترس را بر آنان پوشاند.^۱ هنگامی که شخص کفران نعمت می‌کند، لیاقت داشتن آن را ندارد، خداوند نیز رحمت و نعمت خویش را از او دریغ می‌کند. کفران نعمت تنها به ناسپاسی زبانی نیست، بلکه به کار بستن نعمت‌های الهی در غیر مسیر طاعت و بندگی و خدمت به خلق خدا، از نمونه‌های بارز کفران و ناسپاسی در مقابل نعمت‌های الهی است.^۲

اسراف و دور ریختن نعمت و به کار گرفتن اعضای بدن در مسیر گناه، چشم در نگاه به نامحرم، زبان در گفتن ناحق و غیبت و دروغ و... دست در ظلم به دیگران، اندیشه در گناه، گوش در شنیدن آن چه حرام است و استفاده از اموال در گناه و عصیان، همه و همه مصداق کفران و ناسپاسی نعمت پروردگار است.

۵-۶- تحقیر نعمت‌ها

نباید به کوچک بودن و کم بودن نعمت نگاه کرد، بلکه باید به فرستنده و عطاکننده‌ی آن نگریست، گاهی شخص بزرگی تنها یک کتاب را به انسان هدیه می‌کند ولی انسان تا آخر عمر از آن محافظت می‌کند و آن را گرامی و سبب افتخار می‌داند. چه بسا نعمت‌های کوچکی که سبب و راهی به نعمت‌های بزرگ می‌شود و بی توجهی و بی ارزش دانستن آنها محرومیت می‌آورد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَسْتَقْلُوا قَلِيلَ الرِّزْقِ فَتَحْرَمُوا كَثِيرَهُ» رزق و روزی کم راناجیز مشمارید، زیرا این کار شما را از نعمت‌های فراوان محروم می‌سازد.

۶- مشاغل نامشروع

فقها در فقه بابی به عنوان مکاسب محرمه آورده‌اند. که کسب در آمد آن امور را حرام و باطل شمردند. الف- درآمد از طریق اغراء به جهل و تثبیت جهالت مردم و تحکیم عقاید سخیف و خرافی نظیر بت فروشی و صلیب فروشی و شراب و... حرام است.

۱. صدوق، ثواب الاعمال، ص ۴۲.

۲. نحل، ۱۱۲. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» و خدا [برای] پندآموزی به ناسپاسان [مکلی زده است: شهری را که امنیت و آسایش داشت و رزق و روزی [مردمش] به فراوانی از همه جا برایش می‌آمد، پس نعمت خدا را ناسپاسی کردند، در نتیجه خدا به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می‌شدند، بلاي گرسنگی و ترس فراگیر را به آنان چشاند.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۴۷.

ب- نوع دوم تحصیل درآمد از طریق اغفال و اضلال است. بیع کتب ضلال از این قبیل است در اسلام شکستن سکه تقلبی واز بین بردن کتاب تقلبی واجب است البته خرید و فروش آنها برای کسانی که قدرت تفکر و تجزیه و تحلیل دارند مانعی ندارد اما برای کسانی که فاقد این قدرت اند صحیح نیست.

ج- تقویت دشمنان به هر نحوی باشد از این نوع است بیع سلاح به اعداء دین بلکه هر گونه خرید و فروشی که سبب شود دشمن، قوی و دوست ضعیف شود در اسلام ممنوع است. اگر خرید و فروشی سبب شود که بنیه نظامی یا اقتصادی یا فرهنگی دشمن قوی و متقابلاً بنیه نظامی، اقتصادی، فرهنگی خودی ضعیف شود ممنوع است.

د- تحصیل درآمد از راه تولید یا خرید و فروش و مبادله موادی که استعمال آنها برای بشر زیان دارد و یا فایده ای ندارد و از نوع هوس های کودکانه است. مبادله شراب، اعیان نجسه، آلات قمار و غش از این قبیل است.

ه- ماده مضری در کار نیست، بلکه نوع کاری که فرد در مقابل آن واقع میشود بیهوده یا مضر است، مثل لهو و غنا یا قمار یا قیادت یا هجو مومن.

و- نوع دیگر کاری است که از نظر اسلام فوق مسائل اقتصادی است، از قبیل اجرت در قضاوت، تعلیم دین و قرآن، اجرت در اذان یا افتاء اذان شعار است، شعار راستی و ایمانی، پیام دل است به دل، این زشت است که کسی پول بگیرد و بگوید: اشهد ان لا اله الا الله، این کار فروشی نیست، همچنانکه از نظر اسلام سربازی نیز مزدوری نسبت، اجباری هم نیست قصد قربت می خواهد.

ی- کارهای که منجر به تجمل پرستی مفرط بشود، مثل ساختن یا مبادله ظروف طلا و نقره.^۱

نتیجه گیری

یکی از نیازهای اصلی انسان نیاز به تغذیه است براساس تعالیم اسلام غذا علاوه بر اینکه بر جسم انسان اثر میگذارد در روح انسان نیز موثر است سلامت روح در گرو استفاده صحیح و مطلوب از مال حلال است و بی توجهی به این موضوع، عوارض و پیامدهای منفی و مخربی را برای انسان به وجود می آورد. بر این اساس تأکید بر به دست آوردن مال حلال در فرهنگ دینی بسیار به چشم می خورد. اداره زندگی اگر چه مورد تأکید فراوان اسلام واقع شده است، اما به انسان اجازه داده نشده است که از هر راهی یا هر ابزاری زندگی اش را تأمین کند، بلکه باید با رعایت قوانین و ضوابط دقیق از ورود مال حرام در زندگی جلوگیری کند.

افزون بر این، کسی که مال حرام کسب کرده، در قیامت باید حق الناس را جبران نماید و این جبران ربطی به سقوط او و عذاب جهنم ندارد. خداوند متعال به عزت و جلال خود قسم خورده و فرموده است که: ممکن است از حق خودم بگذرم، اما از حق الناس نخواهم گذشت؛ بنابراین در قیامت، عبادات و اعمال

۱. مطهری، نظام اقتصادی اسلام، ص ۲۰۷-۲۰۴.

نیک بدهکار را به بستانکار می‌دهند تا راضی شود؛ و اگر عمل نیکی نداشته باشد یا اعمال او تمام شود، گناهان بستانکار را به پرونده بدهکار منتقل می‌کنند.

غذای حرام، تبعات فراوان دیگری نیز دارد اما همین مقدار باید دانست که مال حرام، انسان را به سقوط می‌کشاند و شقاوت ابدی را برای او رقم خواهد زد؛ بنابراین، به دست آوردن غذای حلال، به ویژه در زمان حاضر، در حالی که بسیار مشکل است، بسیار لازم است.

براساس تعالیم اسلام غذا علاوه بر اینکه بر جسم انسان اثر میگذارد در روح انسان نیز موثر است همان گونه که غذای سمی جسم انسان را مسموم می‌کند غذای حرام نیز روح انسان را آلوده می‌کند و عواملی مثل وسوسه های شیطانی، احساس حقارت و عوامل محیطی باعث می‌شود انسان گرایش به مال حرام پیدا کند. و با اینکه اسلام مرز مشاغل را حتی مشخص کرده است ولی انسان با انجام اعمالی از جمله اسراف، ربا، گناه، ترک نهی از منکر، عادت به قسم دروغ خود را از نعمت های پاک الهی محروم می‌کند و خود را به مرحله اسفل السافلین می‌رساند.

و عواملی نیز در گشایش روزی از جمله درستکاری، نماز، استغفار، نیت قلبی و اخلاص، قرائت قرآن، صلّه رحم و شکر نعمت موثر است. و هر چقدر بتوانیم در مسیر الهی قدم برداریم و براساس تعالیم الهی حرکت کنیم به همان اندازه می‌توانیم از لحاظ معنوی رشد کنیم.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن
- نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، چهارم، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ش.
- ابن ابی الحدید. ۱۳۸۵ق. شرح نهج البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر، ۱۴۱۴ق.
- آمدی تمیمی، عبد الواحد بن محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ قم: دار الکتب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۴.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه، ۱۳۶۳ش.
- حویزی، عبد بن جمعه عروسی، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان؛ ۱۴۱۲ه. ق.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن کریم، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۶۲.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، ثواب الاعمال، قم، نسیم کوثر، ۱۳۸۲.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، قم، حیدریه، ۱۳۸۶ ه. ق.
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۶۳، تفسیر المیزان، ج ۲، تهران، بنیاد علمی فرهنگی طباطبایی
- طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ص ۱۴۳.
- طوسی، محمد بن حسن، الامالی، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، بیروت، داراصعب، دارالتعارف، ۱۴۰۱ه.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
- قاسمی محمد علی، روزی حلال، قم، نورالزهراء، چاپ اول ۱۳۸۸ه. ش.
- قرائتی، محسن، گناه شناسی (تدوین: محمد محمدی ری شهری)، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چاپ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ نهم، پاییز ۱۳۸۷ه. ش.
- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۸۶
- کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ه. ق.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۴۱۶ه. ق.
- محمدی ری شهری، محمد، الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۸.

- مخبر، سیما، ریحانه بهشتی، چاپ پنجم، قم: نورالزهرا (س) ۱۳۸۳، ه. ش.
- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دار الکتب العلمیة- مرکز نشر اثار علامه مصطفوی، چاپ: سوم.
- مطهری، مرتضی، نظام اقتصادی اسلام، انتشارات صدرا، چاپ پانزدهم، ۱۳۳۸. ش
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب اسلامیة.
- فصلنامه حدیث اندیشه دانشکده علوم حدیث، قم، چاپ هشتم ونهم پاییز ۱۳۸۸، تابستان ۱۳۸۹.

www.tebyan.net.

www.porseman.com.

www.alzahra-gharve.kowsarblog.ir

